

نشان بدهم بنده تصور میکنم در مقابل بنده یعنی مخاطبین بنده عده آقایان هستند که هیچ محتاج نیستند بنده عرایض خود را تفسیر کنم و حاشیه بروم که مقصود من چه بوده است .

متأسفانه رفیق محترم من آقای حاج شیخ اسدالله از عرایض من سوءاستفاده میکنند و عرایض بنده را بطور دیگر تفسیر می نمایند که خودشان می دانند خلاف مقصود من است .

هیچوقت بنده اراده نداشته ام بگویم همانطور که پدران ما این معادن را زیر زمین برای ما گذاشتند ما هم برای اولاد خود بگذاریم. خودشان هم میدانند من این مقصود را نداشتهم و نیاستی از عرض بنده اینطور استفاده کنند

بنده عرض کردم چیزیکه بودیم برای ما باقی مانده و پدران بزرگوار ما (که) این مملکت را در مقابل تشنجات دنیا توانسته اند تا امروز حفظ کنند و این و داعش را بما بسپارند) برای ما ذخیره نمایند نباید برای بزرگان از دست بدهیم همانطور که حضرت بزرگوار آقای شیخ الاسلام فرمودند بمغت نباید از کفرها کرد و بنده مکرر در عرایض خود گفته ام که از این معادن باید فرزندان ایران استفاده کنند

ولی با این ترتیب فرزندان ایران استفاده نمیتوانند کرد دلیل من هم همان نفت جنوب است :

از نفت جنوب خانه کی آباد شد؟ کدام شهر بواسطه این عایدی تأسیس شد؟ در یرتوجهل و هشت ملیون لیره عایدات نفت جنوب چه استفاده شد؟ البته يك استخوانش را هم بسوی ما انداختند و بلقمه ما را نواختند ولی تمامش حق ماست و از تمامش باید استفاده کنیم .

بنده نمی دانم در اینجا مذاکراتمانرا بر روی چه اساسی قرار دهیم؛ بر روی صدی ده نفت مستخرجه یا بر روی صد شانزده خالص عایدات؟ هر کدام از این دو موضوع مخالف و متضاد و متباین است

باید مشخص شود و بما نشان بدهند که هر عقیده در اطراف هر يك از این صورتهای داریم اظهار کنیم؛

اگر در روی صد شانزده است عرض میکنم اولین کمپانی که در دنیا ترقی کرده، منحصر باین کمپانی نیست که نمی خواهد از ما امتیاز نفت بگیرد.

کمپانی دردنیابسیار است سرمایه دار هم بسیار است معامله هم رایج است ببینید یک نفر سرمایه دار که می خواهد سرمایه اش را برای استفاده بکسی بدهد چه می کند مسلم است که حق گرفتن رنج بولش را دارد و تمام مقصود سرمایه دار هم همین است که رنجش را بگیرد بعد که گرفت کارخانه می آورد متخصص و مهندس می آورد و بآنها هم روزی می دهد.

در حقیقت نفت مال ماست سرمایه هم مال تنزیل است و خالص عایدات مال ماست حق - العملی باید باو بدهیم و این يك مسئله تازه نیست در تمام دنیا رایج است و از آن مسائل عمقی نیست که از متخصص سؤال کنیم از تجار که از صبح تا شام مشغول معامله هستند برسید .

کمپانی که پول میدهد تنزیل پولش را می گیرد موجب مهندس و متخصص هم میگیرد باید صدی ده یا صدی بیست باو حق داد و صدی نود یا صدی هشتاد هم حق ما باشد ولی بنده در اینجا برعکس میبینم و خیال می کردم شاید من اشتباه کرده باشم این خیلی مضحك است : سود بگیرد سرمایه را مستهلك کند ، مخارج اداری تأسیسات داخلی و خارجی خود را هم که برای اینکار تشکیل داده بگیرد تازه از خالص عایدات صدی شانزده بما بدهد و اگر عایداتش از سرمایه فزونی گرفت و صدی پنجاه و صدی صد رسید آنوقت بتدریج بر باند تا صدی بیست و پنج برسد !

این چه تقسیم است ؟

آیا عادلانه است ؟

راجع باین هم باید متخصصین بیاوریم سؤال کنیم؟ بمقیده من این تقسیم با کمال وضوح غیر عادلانه است .

نفت جنوب صدی شانزده میدهد و صدی سه هم بخوانین و مالکین میدهد که روی هم صدی نوزده میشود .

آنهم در صورتیکه شنیده ام (صدق و كذبش را نمیدانم . خدا اعلم است) وقتی امتیاز نفت جنوب امضاء شد که امضاء کننده مشغول تفریح و تعییش بوده البته اگر بودیم و میدیدیم چرا شد و چگونه شد بهتر میتوانستم توضیح دهم اکنون شب و روز را باید حسرت ببریم که يك سرمایه بزرگ ما را که در سال چهل و هشت میلیون لیره از آن استفاده میشود از دستمان گرفته اند و ما باید روز شماری کنیم که کی مدت امتیاز تمام میشود که قسمت خودمان بشود

بهر جهت بنده با صد شانزده بکلی مخالفم و خیلی تعجب دارم و میایم که آقای مخبر درست توضیح بدهند که صد شانزده برای کمپانی است و صد هشتاد و چهار برای ما یا برعکس و وقتی آقای مخبر توضیح دادند که اولاً ما باید بر روی چه اساسی صحبت کنیم و ثانیاً این تقسیم چه قسم است بنده عرایض خود را عرض خواهم کرد .

نایب رئیس - چون خیلی از ظهر گذشته است اگر آقایان اجازه می دهند جلسه را ختم کنیم جلسه آتی به روز سه شنبه و دستور بقیه مذاکرات امروز و اگر وقت باقی ماند لایحه گل سرخ

(جلسه سه ربح بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۲۱۶ صورت مشروح مجلس یوم ۳ شنبه دلو سنه ۱۳۰۱ برابر ۱۳ جمادی الثانیه هزار و سیصد و چهل و یک

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

(صورت مجلس یوم یکشنبه هفتم دلو را آقای امیر ناصر قرائت فرمودند)

رئیس - آقای قمی -

(اجازه)

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده راجز و غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده جزو درآمدگان با اجازه بودم و راجع بآقای بیان الدوله هم بواسطه مصیبتی که ایشان وارد شده بود نتوانسته شرفیاب شوند ایشان را هم جزو غائبین بی اجازه نوشته اند

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد حاج میرزا علی محمد - عرض بنده هم

راجع بآقای بیان الدوله بود .

رئیس - آقای شیخ اسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - گوید در صورت مجلس اینطور نوشته شده که بنده عرض کردم صد نوزده و نیم دولت بابت نفت جنوب میگیرد اینجا اشتباه شده است بنده عرض کردم صد نوزده باین معنی که صد شانزده بدولت می دهند و صد سه بسایرین خوب است اصلاح شود .

رئیس - دیگر ایرادی نیست ؟ گفته شد - خیر .

رئیس - در ماده ده امتیاز فقط مذاکرات اعاده میشود .

آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - بنده مخالف هشتم پس از يك موافق .

(یکی از نمایندگان - آقا بر عکس می فرمایند)

حائریزاده - بلی اشتباه کردم .

من نمی دانم در صورتیکه اغلب از نمایندگان طرفدار این عقیده هستند که این ماده برگرد به کمیسیون و تجدید نظری بشود و يك پیشنهادی هم آقای ارباب کیخسرو در این موضوع فرمودند ولی حالا باز می بینم مطرح شده و بکمیسیون اعاده نشده است بنده هم مجبور هستم عرایض خود را عرض کنم و معایب این ماده را هم بعرض آقایان برسانم .

اولاً این تسهیلاتیکه برای کمپانی فراهم نموده اند ابتدا فایده جهت ما ندارد مثلاً نوشته شده است که در موقع ورود آلات و ادوات و اشیاء لازمه برای اخراج نفت مالیات و حق گمرک مطالبه نمایند و از سایر مالیاتهای محلی هم معاف باشند و یا نفعی که بخارج حمل می نماید از تأدیبه حق العبور

و گمرک معاف باشد عرض کردم ابتدا صرفه و فائده بحال ما ندارد و بنده تصور میکنم اگر ما این معدن فقط را به همین شکل داده بودیم به کمپانی و صد شانزده هم مقرر نداشته بودیم و بهمان حقوق و مالیات گمرکی اکتفا می کردیم بیشتر بر صرفه دولت بود تا این ترتیب که حالا در این لایحه نوشته اند متأسفانه ما بامتیاز فقط جنوب نگاه می کنیم و او را مقیاس می گیریم در صورتیکه باید فرق کلی ما بین امروز و آن روز گذاشت و البته اهمیت فقط آنروز هزار يك امروز نبوده است امروز جنگ بین المللی ثابت کرد که دول دنیا باید به نقطه دسترسی داشته باشد و هر دولتی که بهتر توانسته است فقط تهیه نماید و دنیا از حیث تجارت و سایر وسایل جلو است بعلاوه دربار ایران آنروز يك وضع و ترتیب دیگری داشت و آن دقتهایی را که امروز آقایان نمایندگان میکنند آنروز حتماً نمیشده است و حالا ما نباید نگاه کنیم بآن صد و شانزده که آنروز برای فقط جنوب تعیین کرده اند و این يك کار ناصحیحی است که آن امتیاز مقیاس برای این امتیاز قرار بدهیم دیگر اینکه در يك ماده می نویسد سرمایه را که کمپانی می آورد تقریباً در فاصله هشت سال باید بتدریج سرمایه اش را و استهلاك و موضوع كند این امتیاز پنجاه ساله و پس از هشت سال که کمپانی سرمایه خودش را برداشت کرد چه صورتی خواهد داشت ؟

آنوقت صد هفت ربح برای سرمایه مصروفه اش معین کرده اند در صورتیکه صد هفت فر عرا امروزه در تمام دنیا بآدمهای و رشکسته می دهند و معامله که در خارج می شود خیلی کمتر از صد هفت است و این مطلب را ابتدا منظور نداشته اند .

بعلاوه کمپانی باید خیلی مسرور باشد که يك بازار خیلی نزدیکی در خود داخله مملکت موجود است که فقط او را بخرد آنوقت يك تضییقاتی راجع بفروش نفت در داخله مملکت شده است مثلاً در ماده سابق می نویسد که کساکتین ایران حق خواهند داشت از کمپانی فقط برای مصرف خودشان بخرند و صد ده هم علاوه به کمپانی بدهند در صورتیکه ممکن است فقط دیگر ارزانتر از آن قیمتی که در بازار آمده است بفروش برسد چون فقط يك متاعی است يك روز خیلی گران است و يك روز خیلی ارزان و ممکن است يك کمپانی ضرر نماید مثل سایر امته و ممکن است يك وقتی يك متاعی در يك بازار زیاد شد ارزانتر از قیمت اصلی کارخانه بفروش برسد و حق این بود که قیمت نفعی را که در داخله می خواهند مصرف نمایند مخارج حمل و نقل از سر معدن تا بازار دنیا را کم نمایند و بداخله بفروشد و این تضییقات برای فروش فقط در داخله مملکت کار ناصحیحی است و این فروش فقط در داخله ب نفع او است

چون نزدیک است و مخارج حمل و نقل هم ندارد آنوقت می آیند و صد دهم اضافه میکنند !!

یکی دیگر راجع به نفع صد شانزده است که برای سهم دولت معین می نمایند این صد شانزده مال یک معدنی است که صد هشتاد و چهار احتمال ضرر برای کمیانی داشته باشد و صد شانزده احتمال منفعت و ما داریم یک منفعت و ضرر خیالی را بین خودمان و کمیانی قسمت میکنیم.

وقتی صد هشتاد و چهار برای کمیانی احتمال ضرر میدهم ممکن است کمیانی سرمایه اش را مصرف نماید و نفعی هم پیدا نکند و صد شانزده هم احتمال منفعت بدهم که پس از آنکه کمیانی سرمایه اش را صرف کرد و نفعی پیدا نمود صد شانزده بیا بدهد و خرج و دخلش تکافو نماید در این صورت صد شانزده برای دولت و صد هشتاد و چهار برای کمیانی قرارداد صحیح است ولی اگر بر کمیانی مجهول باشد بر ما مجهول نیست که در چند سال قبل یک مهندسینی فرستادند و رفتند تحقیقات نمودند و نقشه صحیح برداشتند که در اغلب نقاط شمالی

نقط سفید خوبی بیرون آمد و فوران کرد اینها یک منافع خیالی نیست که ما داریم صحبت میکنیم و از حالا قرار میگن داریم صد شانزده حق بما بدهد و صد هشتاد و چهار منافع را با تو تخصص بدیم این کار ناصحیحی است چون یک امر خیالی نیست که مایک سرمایه داری را باین مملکت جلب کنیم و صد هشتاد و چهار احتمال ضرر باو میدهم و صد شانزده نفع برای خودمان اگر چنانچه یک شرکتی پیدا میشد که دولت یک پولی برای استخراج معادن فقط شمال قرض میکرد و از قرار فرغ صد هفت و خود آن کمیانی هم صد بیست و یازده سی یا صد چهل شرکت میداشت و استخراج میکردند آنوقت اگر چنانچه ضرری حاصل میشد دولت ایران هم سهم می برد اگر چنانچه منافی حاصل میشد باز سهم داشت والا این ترتیبی که تعیین شده صد شانزده حق دولت ایران و صد هشتاد و چهار حق کمیانی خیلی کار ناصحیحی است و باید پیش از اینها برای دولت حق معین نماید و عقیده دارم که این ماده برگردد بکمیسیون تادیر کمیسیون مطالعه کامل شده بعد به مجلس شورای ملی برگردد.

(پیشنهاد آقای دانش را آقای امیر ناصر بشرح ذیل قرائت نمودند) بنده پیشنهاد میکنم که لایحه برگردد بکمیسیون...

رئیس - پرروز در این موضوع رأی گرفته شد یا خیر؟ (گفته شد خیر) رئیس - آقای دانش (اجازه) آقای امیر زاهد دانش - چون

این ماده فدری مبهم و پیچیده است و عایدات خالص هم معین نشده است بنده عقیده دارم که به کمیسیون برگردد تا تحقیقات کاملتر بکنند و بعد بمجلس بیاید.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

قدین - بنده هیچ محتاج نمی بینم که این ماده بکمیسیون برگردد چون شور اول است و شور اول برای این میشود که از مجموع افکار آقایان یک نتیجه بدست بیاید و کمیسیون برای شوردوم یک زمینه که موافق افکار اغلب آقایان باشد تقدیم مجلس نماید بنابراین اگر به کمیسیون برگردد جز تضییع وقت چیزی نیست اگر آقایان عقایدی دارند خوب است پیشنهاد بفرمایند تا مجموع پیشنهادها به کمیسیون برگردد.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده مخالفم رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده هم مخالفم رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اولاً قسمت اعظم مذاکرات آقای حائری زاده راجع بماده قبل بود اینجا موضوع بحث در قسمت اول این ماده است که صد شانزده کم است و باید زیادتر قرار داد و بعضی آقایان اظهاراتی در این باب فرمودند من جمله آقای کازرونی در جلسه سابق فرمودند بهتر این است که صد هشتاد و چهار بما بدهند و صد شانزده کمیانی ببرد بنده عرض می کنم صدی صد بما بدهند بهتر است و کمیانی سرمایه اش را بیاورد و زحمت هم بکشد و هیچ مزد نبرد هر چه کار کرد بیا بدهد این بطریق اولی بهتر است یک موضوعی که دو طرف دارد اگر یکطرف بخواهد عقاید خود را پیشرفت بدهد این تنها بقاضی رفتن است یک اشخاصی که حاضر میشوند سرمایه های خودشانرا مصرف کنند و زحمت هم بکشند البته حاضر نیستند که تمام منافع را بطرف بدهند و یکمقدار مختصری برای خود نگاه دارند محل بحث اینجا است که آیا صد شانزده کافی است یا کم است بنده تصور می کنم که آنقدرها بحث ندارد آقایان میتوانند پیشنهاد کنند که صد بیست بدولت بدهند یکی دیگر پیشنهاد تمديد که صد بیست و پنج بدهد یکی دیگر پیشنهاد بکنند که صد چهل بدهد بالاخره تمام اینها منتهی بپیشنهاد خواهد شد باینکه یک نفر دیگر عقیده دارد که پول بما بدهند و ربع بگیرند و ما هم با کمیانی شریک بشویم

اینها بالنتیجه منتهی بپیشنهاد می شود و آنقدرها بحث ندارد که محتاج بشویم که دلیل اقامه کنیم

بنابر این تصور می کنم که مذاکرات زیاد در اطراف مسئله کم و زیادی دور خواهند زد که صدی شانزده کم است بنابراین این خوب است آقایان هر چه عقیده دارند پیشنهاد کنند و راضی نشوند که بیش از این این مسئله در مجلس مطرح شود و برگردد بکمیسیون و کمیسیون هم از نتیجه پیشنهاد های آقایان یک نتیجه را اتخاذ کند و در شور دوم که بالاخره آن شور قاطع است و باید رأی داد هر چه که مجلس رأی بدهد قاطع است

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است پیشنهادات قرائت میشود (ده فقره پیشنهاد به ترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که ترتیب ماده ۱۰ این قسم داده شود که کمیانی سرمایه بیاورد و نصف آنرا بواقرض بدهد از قرار صد پنج الی صد هفت و در تمام منافع و مخارج شریک بالسویه باشیم

شیخ الاسلام اصفهانی بنده پیشنهاد مینمایم در ذیل ماده ده جمله ذیل علاوه شود با صدی ده از میزان کلیه نفت و غیر موم معدنی و کازهای طبیعی که صاحب امتیاز بموجب امتیاز تحصیل می نمایند مشروط باینکه صدی ده محصولات فوق در هیچ سال کمتر از صدی شانزده عایدات خالص نباشد

حاج سید المحققین بنده پیشنهاد می کنم که حق دولت ایران از عین نفت مستخرج صدی پانزده برداشته شود

کازرونی پیشنهاد مینمایم که در ماده ده پس از تعیین حقوق دولت اعم از خالص یا عین صدی یک هم برای معارف عمومی و امور خیریه مملکتی علاوه بر حقوق دولت باید صاحب امتیاز بپردازد (مستشار السلطنه - عدل السلطنه)

بنده پیشنهاد می کنم که کمیسیون در شور دوم یک مبلغی بیک نسبتی برای معارف بطور سنواتی تعیین کنند (شیخ الاسلام اصفهانی)

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده دهم علاوه شود

تبصره ۳ کمیانی متعهد است که علاوه بر حقوق دولت صدی نیم نیز بر معارف ایالات آذربایجان و خراسان و ولایات استرآباد و مازندران و گیلان بدهد

(فیوضات) بنده در ماده ده پیشنهاد میکنم که تا پنجاه درصد صد شانزده و آنچه علاوه باشد نصف راجع بدولت و نصف مال کمیانی و در هر حال صدی دو بجهت معارف اضافه شود

(دولت آبادی) این بنده پیشنهاد می نمایم که ماده الحاقیه ذیل بقانون امتیاز نفت شمال ضمیمه شود:

(ماده الحاقیه) علاوه بر حقوق مقرر در ماده دهم این قانون صدی دهم بعنوان معارف باید از عایدات خالص هر کمیانی و شرکتی که تشکیل میشود بغزانه دولت تا آخر مدت بپردازد

(معمد التجار) بنده پیشنهاد می کنم عایدات دولت معادل باشد با صدی شانزده از کلیه مواد مستخرجه از نفت وغیره

(حاج میرزا مرتضی) این بنده پیشنهاد می نمایم که سهم دولت از عایدات مطلق از کلیه مواد مستخرجه برداشته شود و کمتر از صدی پانزده نباشد

(سید الملک) رئیس - شور اول این لایحه تمام شد

آقا سید فاضل - بنده هم پیشنهادی دارم

رئیس - پیشنهادها بکمیسیون ارسال میشود. رأی میگیریم بشوردوم آقایانی که تصویب میکنند شور دوم بشود قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد لایحه کل سرخ از ماده ششم راپورت که ماده پنجم راپورت جدید خواهد بود مطرح است

(ماده ششم بشرح ذیل قرائت شد) ماده ششم - صاحب امتیاز باید در ظرف ۶ سال از تاریخ تصویب امتیاز شروع بحفر سه چاه نماید و بعد از آن تا مدت انقضای امتیاز عملیات خود را بلاانقطاع تعقیب و در هر دو سال لاقول یک چاه حفر نماید حفر چاه و عملیات راجعه بآنها باید بسرعت لازم تعقیب نموده و برضایت دولت بمعنی که کمتر از دوهزار یا نباشد چاهها را حفر نماید مگر اینکه در هفت کمتری فقط بمقدار تجارتی یافت شود صاحب امتیاز بدولت راپرتها و نقشه های لازمه را تقدیم خواهد کرد تمام چاههایی را که حفر آنها در نظر گرفته شده نشان دهد و معلوم نماید و در هر شش ماه راپرتی از کلیه

عملیات راجعه بحفر چاهها و قطر و میزان و محصول آنها بدولت عرضه خواهد داشت
 رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تسین - این ماده يك اشكال دارد و آن این است که در آن ذکر شده است خاک موجوده در سر معدن در صورتیکه ممکن است در خارج در جزیره هرمز یا سایر جزایر يك مقدار زیادی خاک انبار کرده باشد و مطابق آن ماده چون در سر معدن خاک نیست متعلق به صاحب امتیاز خواهد بود و فقط مختصر خاکی که در سر معدن هست متعلق بدولت خواهد بود علاوه بر این يك اشكال دیگری هم دارد و آن این است که مقدار خاک باقی مانده خواه در سر معدن باشد خواه نقاط دورتر از معدن حق دولت باشد و این ماده هیچ این مطلب را تأمین نمیکند برای اینکه هر مقداری خاک که در سر معدن یا جای دیگر موجود باشد ممکن است منتقل بدیگری کند یا به پسرش بفروشد یا به فلان تاجر واگذار نماید بنا بر این چون این مطلب سابقه پیدا میکند بواسطه ذکر این ماده این لایحه همیشه صاحب امتیاز در صدد خواهد بود که راه طفره برای خودش پیدا نماید آنوقت خواه بنویسیم در سر معدن خواه در خارج معدن یکماه بیست روز بانقضاء مدت مانده هر چه خاک باشد بدیگری بفروشد و بعد از آنکه امتیاز منقضی شد هیچ خاک باقی میماند که دولت او را صاحب شود یا این جهت بنده این ماده را صالح و کافی میدانم برای اینکه تأمین مقصود را نمی نماید
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

تمام برای مصالح مملکت کار میکنند همان طور که خیر مملکت را در نظر گرفته و می خواهیم سالی صد هزار تومان بدولت برسد .
 در صورتیکه خاک سر معدن بماند برای طرف چه صورتی دارد همانطور که ملاحظه بفع خود را می کنیم باید ملاحظه طرف را هم بکنیم این فرض را هم بکنیم که ممکن است خاک در سر معدن باشد یا اسکله آورده باشد و در آنجا مشتری برایش پیدا نشده و سه چهار سال هم حق الامتیاز بدولت داده در این صورت چه طور ضرر او را جبران میکنیم پس باید هر دو جهت را ملاحظه کرد که هم حق دولت محفوظ بماند و هم حق او يك حرف دیگری هم در مجلس مکرر زده میشود .
 یعنی گفته میشود ممکن است بعد از پانزده سال خاک تمام شده و هیچ چیز در سر معدن باقی نماند بنده از این مسئله تعجب میکنم اجازه دادن معنی دیگری دارد نه بآن معنی که میفرمائید که آنچه از زمین خارج میشود بکلی باطل شود چون ممکن است تمام معدن را استخراج کنند و چیزی باقی نماند تا باینجا آن خاکهایی را هم که با اسکله آورده و حاضر برای بار کردن نموده نمی توانیم بگوئیم مال دولت است مطابق این امتیاز یا مطابق این اجازه در صورتیکه تعبیر به اجازه کنیم مال کسی است که حق امتیاز را گرفته و نمی توان گفت آن چیزی را که خارج کرده متعلق بدولت باشد ولی کمیسیون میتواند يك ترتیبی را بیاید که مقدار مال مستخرجه تجدید بشود
 یعنی معین شود که پس از انقضای زمان تا فلان اندازه مال صاحب امتیاز باشد تا فلان مقدار مال دولت ولی چنانچه مطلقاً بگوئیم مال دولت باشد ضرر بزرگی بدولت زده ایم و همچنین نمیتوان گفت چیزی از معدن باقی نماند باید يك پیشنهادی شود که حفظ هر دو طرف شده باشد و در این صورت بنده موافق خواهم بود
 رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)
 حاج میرزا علی محمد - در يك موردی که بنده راجع به معدن نفت اطلاع پیدا کردم يك ترتیبی پیش آمده بود که مستأجر بعد بواسطه مرادی که مستأجر اولی استخراج کرده بودند نسبت معدن را اداره کند مجبور شد بگذارد برود زیرا که مستأجر اولی به يك قیمت نازلی میفروخت و مشتری زیادتری پیدا کرده بود به این ملاحظه بنده به عکس آقای آقا سید یعقوب معتقدم صاحب امتیاز بعد از انقضای مدت در خصوص اسباب آلات و ادوات و انبارها

و خاک های مستخرجه حقی نداشته باشد و کلیه مال دولت باشد و این ماده برای این مقصود کافی نیست زیرا میتواند خاک ها را يك نقطه دورتر از معدن حمل و در آن جا انبار کند و این ماده هیچ در این خصوص اشاره نمیکند و بعقیده بنده اگر چنانچه اینها متعلق بدولت نباشد اسباب نکست معادن میشود بایستی پس از انقضای مدت پانزده سال کلیه این اسبابها متعلق بدولت باشد
 رئیس - اولاً باید تصور کرد در مقابل صد هزار تومان که این شخص میدهد آیا باید يك چیزی بپرداخته یا اگر بنا باشد نبرد او اجازه میکند نه دیگری اگر بنا باشد باین شکل او را تجدید کرد و با بطور تعمیم بگوئیم در هر کجا خاک دارد خواه در خارج خواه در داخله متعلق بدولت باشد چنانچه در خصوص نفت بعضی از آقایان همین طور پیشنهاد کردند این هم عملی نیست اما راجع باینکه گفته میشود این معدن تمام میشود یا نمی شود عرض میکنم معادن دو قسم است بعضی تمام میشود و بعضی تولید میکند و این خاک هم معدن کوچکی نیست که در ظرف این چند سال تمام شود و این خاکی است که در تمام نقاط ایران من جمله خراسان منتهای چون آنجا نزدیک ساحل دریاها بوده و برای کشتی ها استعمال میشود او را بهتر میخرند و الا این خاک خیلی زیاد میباشد و در همه جا هست و اما اینکه میفرمایند چند سال انبار میکنند تا بحال در معادن اینطور معمول نبوده است یعنی اجازه می دادند و بعد از انقضای مدت هم مستأجر میرفت و هر چه هم استخراج کرده بود از فیروزه و نمک و گوگرد نگاه می داشت ولی در چند نقطه دولت دچار مشکلاتی می شد یعنی هر چه نمک زیادی استخراج کرده و بیک قیمت کمتری میفروخت و ادباً زحمت شده بود و تا یکسال مستأجر ثانی نمیتوانست نمک بفروشد و برایش صرف نمیکرد و اسباب صدمه و زحمت تولید کرده بود چون مستأجر اولی نمک در سر معدن و حوالی معدن انبار کرده بود و تخلیه هم نمی کرد و چون دولت دچار اشکال شد لذا ناچار شد که در همه انبارات قید کنند که آن مقدار نمک یا فلان چیز معدنی که در سر معدن یا در حوالی و حوش آنجا انبار شده متعلق به دولت باشد اما اینکه میفرمایند در مدت ۱۵ سال تمام خاک را استخراج میکنند و چیزی باقی نمیماند آقایان نباید فراموش نمایند که سرمایه و پول او هرگز تکافو برای این کار نخواهد کرد و چگونه میتواند انبار نماید و بعد بفروش برساند اگر چنانچه او بخواهد از حالا برای هفده سال دیگر خاک انبار نماید و بفروش برساند با فرض آنکه سرمایه اش هم تکافو کند آیا بر تجارت اوسکتنه میرساند یا نه؟ بدیهی است که ضرر فاحشی از حیث تجارت باو خواهد خورد و این طرز عملی نیست که از حالا برای هفده سال دیگر

مخارج بکنند و پولش را صرف نمایند که در هفده سال دیگر خاک بفروش برساند البته خود او هم چنین کاری را نخواهد کرد چون ضرر میکند و اینکه آقایان فرمودند اگر زیاد دقت و رسیدگی شود خاک های موجوده را میفروشد و یا واگذار میکند باید عرض کرد که نه مال او را به دولت و به واگذار کرد و نه مال او را به دولت و به دیگری هم نمیشود واگذار کرد مثل چیزی که باو بگویند خاکت را بردار و ببر و علاوه وقت زیادی هم در این خصوص چندان لازم نیست و البته باید در يك جاهائی مسامحه هم کرد .
 اما راجع بفرمایش آقای دولت آبادی آن مربوط باین ماده نیست ممکن است پیشنهاد بفرمایند تا مانده کرده بنمائیم
 رئیس - آقای زنجانی (اجازه)
 زنجانی - بنده هم این ماده را نارض می دانم و يك اشکالاتی برای بنده پیدا می شود برای این است که دولت خودش در این مسئله شراکت نکرده است اما آن چیزی که بنظر آقایان اشکال دارد آن مقدار خاکی است که متعلق بدولت خواهد شد و این ماده هم منحصر بانقضاء مدت نیست ممکن است در عرض این پانزده سال ملغی شود علاوه باید قید کرد آلات و ادواتی که برای استخراج آورده است اگر در دست او بماند و بعد دولت بخواهد اعلان مزایده بدهد هیچ فایده ندارد برای اینکه آلات و ادوات همه چیز مال دیگری است فقط دولت معدن را میخواهد امتیاز بدهد این هم برای دولت اسباب اشکال است و باید آلات و ادوات استخراج و وسایل حمل و نقل و خاک موجود هم ضمیمه شود اعم از اینکه در انبار باشد یا سر معدن اگر اینطور باشد تمام اشکالات مرتفع میشود برای اینکه ممکن است مثلاً انبار را بدیگری بفروشد و بگوید انبار مال دیگری است بنابراین این پیشنهاد بنده یک قدری اشکالات را کم میکند بنده پیشنهاد کردم که اگر امتیاز ملغی یا مدت منقضی شود کلیه آلات و ادوات و خاک موجود متعلق بدولت باشد اگر هم اشتراکی بشود بهتر است
 رئیس - چون عده کافی نیست چند دقیقه تنفس میشود
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت بریاست آقای مدرس نایب رئیس اول تشکیل گردید)
 نایب رئیس - عده برای مذاکرات بقدر کافی موجود نیست و آقایان تصدیق میفرمایند حاضر نشدن آنها تقصیر وجدانی است اگر آقایان حاضر نبودند مسئله نبود ولی بعد از حضور آقایان اسباب تعطیل را فراهم آوردن يك تقصیر نیست بنابراین چون

کافی نیست جلسه را ختم میکنم
 شیخ الرئیس - اگر در مجلس هستند باید بیایند و اگر نیستند جلسه را ختم کنیم .
 نایب رئیس - معلوم میشود متوجه مسئولیت نیستند هشتاد نفر را معطل میکنند حالا اگر آقایان اجازه میدهند جلسه را ختم کنیم دستور فردا چون روز بود - است لایحه چهار هزار تومان اعتبار عدلیه و بعضی لویایح متعلق بودجه خواهد بود (مجلس مقارن ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس - هو تومن الملك جلسه ۲۱۷
 صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه یازدهم دلو ۱۳۰۱ مطابق سیزدهم جمادی - الثانیه ۱۳۴۱ (مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید) (صورت جلسه یوم ۳شنبه دهم دلو را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)
 رئیس - صورت جلسه ایرادی ندارد ؟ (اظهاری نشد) لایحه اعتبار اضافه مخارج سه گذشته عدلیه های ولایات مطرح است . (لایحه مزبور بشرح ذیل قرائت شد)
 کمیسیون بودجه لایحه ۶۳۶۳ وزارت عدلیه و ریاست وزراء عظام را راجع بکسر محل مصارف سوخت زمستانی و تهیه و تعمیر اثاثیه و لوازم التحریر و اجاره خانه عدلیه های ولایات تحت مطالعه در آورده ماده واحده پیشنهادی دولت را تصویب مینماید ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید که برای اضافه مصارف سه ماضیه تغاقوی ثیل ۱۳۰۰ عدلیه ولایات مبلغ چهار هزار و سیصد تومان اعتبار بوزارت عدلیه داده می شود از باب اعتبار پنجاه هزار تومان سه گذشته
 رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
 حائری زاده - خواستم از معاون وزارت عدلیه سؤال کنم این اعتبار چهار هزار تومان و کسری که متعلق بسوخت و اجاره خانه های عدلیه های ولایات است چون راجع بسنه ماضیه است بهتر این بود که ابتدا لایحه تفریح بودجه را بمجلس می آوردند و ما میدیدیم اگر واقعاً چیزی کسر داشت آن وقت این اعتبار را تصویب میکردیم ولی حالا که نمیدانیم آیا از اعتبار سه ماضیه چیزی کسر دارد یا نه چگونه میتوانیم در این لایحه رأی بدهیم ؟ معاون وزارت عدلیه لایحه قانونی تفریح بودجه را بایستی وزارت مالیه بمجلس تقدیم کند و مربوط بوزارت عدلیه نیست
 رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)